

بررسی نوگرایی در معماری مسکونی روستاهای استان فارس

خسرو موحد*

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۹۲/۱۲/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۳۹۳/۱۰/۰۷

چکیده

امروزه در روستاها با تنوعی از مسکن روبرو هستیم که با چند دهه قبل به شکل معناداری متفاوت است. مطالعات نشان می‌دهد که در طی پنجاه سال گذشته تغییرات قابل توجهی در معماری مسکن روستایی ایجاد شده است. این تغییرات به وضوح چهره روستاها را دگرگون ساخته و مسائل متفاوتی در روستاها به وجود آورده است.

در چند دهه اخیر نوگرایی یکی از مهم‌ترین اتفاق‌هایی است که در حوزه مسکن روستایی استان فارس رخ داده است. هر چند ریشه‌های آن را می‌توان در ارتباط بیشتر شهر و روستا جستجو کرد، اما اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۲ را باید سرآغاز جدی نوگرایی در روستاها به‌شمار آورد.

هدف عمده این مقاله بررسی نوگرایی در مسکن روستایی استان فارس است. در این رابطه بدون آنکه این مقاله بخواهد نقدی بر نوگرایی داشته باشد، با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی به بررسی تغییر و نوگرایی در معماری مسکن روستایی استان فارس پرداخته است. تغییر در مؤلفه‌های معماری مسکونی مورد نظر، در واقع به‌عنوان بخشی از نوگرایی مورد بررسی قرار گرفته است. روش مورد استفاده، روش پیمایشی و ابزار گردآوری اطلاعات، آمارهای موجود مربوط به سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن روستایی استان فارس بوده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم افزار «SPSS» و از طریق آمار توصیفی از جمله آزمون تحلیل واریانس (F) انجام شده است.

نتایج تحقیق نشان‌دهنده این نکته است که در پنجاه سال گذشته ساخت‌وسازهای جدید از هویت قبلی روستا تبعیت نکرده و تغییرات قابل توجهی در واحدهای مسکونی روستایی در مناطق مختلف استان فارس اتفاق افتاده است. همچنین نتایج حاکی از آن است که مصالح ساختمانی، ریز فضاها در واحدهای مسکونی و تعداد خانوار ساکن در واحد مسکونی تغییرات معناداری در نیم قرن گذشته داشته است. با توجه به اهمیت شناخت معماری مسکن روستایی، این پژوهش، می‌تواند نقش مهمی در تدوین تغییرات مسکن روستایی استان فارس داشته باشد.

واژگان کلیدی: نوگرایی، معماری مسکن روستایی، شهرگرایی، استان فارس.

مقدمه

یکی از مسائلی که امروزه در روستاهای استان فارس با آن روبرو هستیم، مسئله نوگرایی است که در بسیاری از مسائل اجتماعی، فرهنگی و کالبدی روستاها بروز یافته است. مطالعات نشان‌دهنده آن است که بی‌هویتی از مشخصه بارز معماری مسکن روستایی معاصر استان فارس است (موحد، فتاحی، ۱۳۹۲: ۵۰).

شهرها به همان اندازه که توانسته‌اند کالاها، ابزار و مصالح جدید را به جامعه روستایی صادر نمایند، به همان میزان توانسته‌اند یک نوع سلیقه و طرز تفکر ساخت‌وساز شهری را وارد روستاها نمایند. به‌طور کلی نوگرایی در معماری مسکن روستایی بهترین ضربه‌ای است که توانسته مسکن روستایی استان فارس را از شکل هویتی خود خارج نماید.

فاضلی معتقد است که زندگی روستایی مبتنی بر الگوی سازگاری با الزامات طبیعت است، اما زندگی شهری مبتنی بر الگوی فرهنگ و ایجاد تغییر و دستکاری محیط و تسلط و بهره‌کشی از آن است. این ویژگی‌ها و ویژگی‌های دیگر شیوه زندگی روستایی در دوره‌های گذشته اجازه نمی‌داد تا پدیده سبک زندگی به معنایی که در شهر دیده می‌شود به‌وجود آید. اما با رشد فرایند شهرنشینی و شهری شدن در روستاها نیز سبک زندگی در حال شکل‌گیری است. روستاهای ایران طی نیم قرن گذشته از نظر شیوه زندگی و ارزش‌های بنیادی فرهنگی دستخوش تغییرات مهمی شده است. او معتقد است در روستاهای ایران به نوعی « مدرنیته روستایی ایرانی » به‌وجود آمده است. برای مثال ارزش‌های مبتنی بر مصرف یا ارزش‌های نمادین کالاها در روستاها نیز دیده می‌شود. آن تلقی سنتی که روستا زادبوم و زیستگاه « فولکلور » یا « فرهنگ قومی » بود اکنون از میان رفته است و در روستاها نیز دیگر همانند شهرها به‌ندرت می‌توان شعر و زبان و موسیقی فولکلوریک را

مشاهده کرد و به‌جای آن همان محصولات رسانه‌ای یا فرهنگ عامه‌پسند جایگزین شده است. حتی صنایع دستی سنتی روستایی مانند قالیبافی و گلیم‌بافی و سفال‌گری و امثال این‌ها در حال از بین رفتن هستند و دختران جوان روستایی دیگر ترجیح می‌دهند به یادگیری مهارت‌های نوین بپردازند (فاضلی، ۱۳۸۶: ۶۲).

معماری واحدهای مسکونی جدید با الگوهای بومی تفاوت بسیار دارد و بیش از آنکه روستایی باشد، مشابه الگوهای جدید شهری است (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۶).

جامعه روستایی در ایران دیر زمانی است با پدیده نوسازی روبه‌رو شده است. این رویارویی در ابتدا بسیار کند بوده، اما همواره به شکل دیالکتیکی بین سنت و نوگرایی جریان داشته و در چهار دوره قاجار، پهلوی اول، پهلوی دوم و جمهوری اسلامی پایدار شده است (روزی بیدگلی، ۱۳۸۲: ۱۷۹).

بسیاری بر این اعتقاد هستند که وجه مشترک اکثر روستاها در حال حاضر، علاقه‌مندی به نوگرایی در مسکن و جدید شدن خانه‌های آن‌ها است. نو شدن روستائیان یعنی شکل زندگی به شکل شهری تبدیل شود و به‌طور کلی « شبیه شهر » شدن است. هدف این پژوهش، بررسی نوگرایی در معماری روستایی استان فارس می‌باشد. اصطلاح نوگرایی در معماری مسکن روستایی به ساختاری اشاره دارد که جامعه روستایی ما در حال حاضر با آن روبرو است. در این مقاله با توجه به اطلاعات موجود آماری مربوط به سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن روستایی در کشور، نوگرایی در معماری مسکن روستایی براساس چهار مؤلفه، مصالح، ریز فضاها، مساحت و تعداد افراد ساکن در واحد مسکونی مورد بررسی قرار گرفته است.

مروری بر مطالعات انجام شده حاکی از آن است که تا کنون مطالعه جامعی راجع به نوگرایی در معماری مسکن

توسعه و به نسبت توسعه یافته شناخته می‌شوند، با چالش‌های این فرایند رو به رویند (صدیق سروسستانی و قادری، ۱۳۸۸: ۳۶).

در جوامع روستایی، سنت مورد قبول همگان است. مادامی که سنت دارای نیروی زندگی، پویندگی و پابندگی است، این کالبد به خوبی عمل می‌کند. هنگامی که سنت از بین می‌رود، سیمای کلی جامعه نیز دگرگون می‌شود. زیرا بدون سنت دیگر نمی‌شود به قواعد و مقررات مورد قبول جامعه، پایبند بود. در نتیجه به تدریج نهادهای گوناگونی در جامعه شکل می‌گیرند و نهادی شدن جامعه آغاز می‌شود. نهادها که بخشی از وظایف سنت را عهده‌دار می‌شوند، خود نیز با تغییرات جامعه تحول پیدا می‌کنند. به وجود آمدن الگوهای جدید مسکن، اولین صورت این تحول است (زرگر، ۱۳۸۸).

آبراهامیان معتقد است که نمی‌توان پذیرفت که برای توسعه و نوسازی باید سنت‌ها را کنار گذاشت. این نگرش غلط که در تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران همواره دنبال می‌شد تبعات ناموزون اجتماعی و پیامدهایی منفی در روند نوسازی در دوران پهلوی در پی آورد، در صورتی که می‌بایست تلاش بر این قرار می‌گرفت که با ایجاد یک حالت متعادل و اتخاذ روشی منطبق با اصول حاکم بر جامعه ایران معاصر، سنت و مدرن در هم آمیزد. در تحلیل این ادعا باید توجه داشت آنچه در نهایت به جامعه مدرن خواهد انجامید از خلأ شکل نگرفته است، بلکه ریشه در جامعه سنتی است، یعنی تجدید و نوسازی سنت‌ها امکان ظهور مدرنیسم را فراهم می‌کند. بنابراین برداشت مدرنیستی که سنت اساساً یک مفهوم منفی و ضد توسعه است و تجدد چیزی است که جای سنت را می‌گیرد و هویت جدیدی به جامعه می‌دهد و در فرایند نوسازی نقش معینی خواهد داشت، در همه جا صدق نمی‌کند (Abrahamian)، 1982.

روستایی استان فارس صورت نگرفته است. پژوهش حاضر سعی دارد حتی الامکان تبیین مناسبی از تجربه نوگرایی در معماری مسکن روستایی استان فارس ارائه داشته باشد.

مبانی نظری نوگرایی در معماری روستایی

واژه نوگرایی در فرهنگ بزرگ سخن از دکتر انواری مترادف با پیروی از سبک‌ها و شیوه‌های جدید تعریف شده است. بسیاری بر این باورند که جریان نوگرایی از بطن جوامع غربی برخاسته و علت پیدایش آن نیز شرایط خاص اقتصادی آن جوامع است. به‌طور کلی نوگرایی را باید در طول دوره‌های گوناگون، متناسب با آن دوره تعریف نمود. به هر حال، نوگرایی با همه ابعاد مادی و غیر مادی‌اش، همواره تاثیر متفاوتی بر خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و کالبدی شهرها و روستاها از خود بروز داده است و به فراخور این تاثیرات، صاحب نظران مختلفی را به بحث و نقد و نظر واداشته است. فاضلی در مقاله خود، اثرات مدرنیته بر تحول مسکن را بررسی نموده است. او اثرات مدرنیته را بر تحول فرهنگ خانه در زمینه‌هایی چون امروزی شدن، شهری شدن، تجاری شدن، فردی شدن و رسانه‌ای شدن را مورد بررسی قرار داده است (فاضلی، ۱۳۸۶: ۲۵).

اینکلس^۱ و اسمیت^۲ نوگرایی و نوسازی را نوعی فرایند اجتماعی و روانی می‌دانند که طی آن، افراد نگرش‌ها، ارزش‌ها و عقاید مدرن را کسب می‌کنند. یکی از آن‌ها خصوصیات درونی است که به نظر‌ها، ارزش‌ها و احساسات انسان باز می‌گردد و دیگری، محیطی است که افراد در آن زندگی می‌کنند (روزی بیدگلی، ۱۳۸۲: ۱۷۸).

استقبال شتاب‌زده، گسترده و مقلد مآبانه از فرایند مدرنیزاسیون که در کشورهای جهان سوم به مد جمعی تبدیل شده است، معضلات و مسائل اغلب فرهنگی را در این جوامع به وجود آورده که هنوز هم دامنگیر آن‌هاست. بیشتر کشورهایی که امروز با نام کشورهای در حال

روستاهای ایران به دلیل برخورداری از دستاوردهای تکنولوژیک دنیای مدرن و همچنین برخورداری از تسهیلات ارتباطی، در دوره‌ای از تاریخ تحول قرار گرفته‌اند که حرکتی نسبتاً گسترده را از سبک زندگی سنتی خود به سمت زندگی نوین تجربه می‌کنند. این حرکت و تغییر را می‌توان حاصل عوامل عدیده‌ای دانست که از مهم‌ترین آن‌ها ورود امکانات مدرن، بالا رفتن سطح تحصیلات روستائیان، جایگزینی نسلی، اجرای طرح‌های خدمات‌رسانی و عمرانی در روستاها و در راس آن‌ها برخورداری از زیرساخت‌های ارتباطی هستند (رضوانزاده، ۱۳۸۳: ۵).

روستاهای ایران به دلیل برخورداری از دستاوردهای تکنولوژیک دنیای مدرن و به سبب برخورداری از تسهیلات ارتباطی، دوره گذار از سبک زندگی سنتی به سمت سبک زندگی نوین را تجربه می‌کنند (ازکیا و حسینی رودبارکی، ۱۳۸۸: ۲۴۱).

در مطالعاتی که حجت در خصوص مسکن روستایی ایران انجام داده است به این نتیجه رسیده که در سال‌های اولیه پس از اصلاحات ارضی تغییر عمده‌ای در شیوه ساخت‌وساز مسکن روستایی به وجود نیامد و خانه روستائیان با همان مصالح و شیوه‌های بومی فقط در ابعادی گسترده‌تر ساخته می‌شد. به تدریج و بر اثر ارتباط بیشتر روستائیان با شهر، شیوه‌ها و مصالح رایج در شهر تا اندازه‌ای بر ساختار و شکل مسکن روستایی تأثیر می‌گذارد. جایگزین شدن آجر به جای خشت برای ساخت دیوار، رایج شدن عایق رطوبتی (قیر و گونی) برای پوشاندن سقف و استفاده از در و پنجره‌های فلزی دست دوم که از بناهای تخریبی شهر جمع‌آوری شده است در نمای ساختمان نمونه‌هایی از تغییر تدریجی چهره روستا پس از اصلاحات ارضی به‌شمار می‌آید (حجت، ۱۳۸۵: ۸۲).

زرگر در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده است که یکی از مهم‌ترین سطوح آسیب‌پذیری غالب روستاها، عدم مقاومت شالوده‌های ساختمانی آن‌ها در مقابل زلزله، سیل و سایر عوامل مخرب طبیعی و مصنوعی است. به‌عنوان مثال، تحقیقات نشان می‌دهد که در مورد زلزله بیش از ۹۰ درصد از مرگ و میرها و تلفات انسانی ناشی از فرو ریختن سقف‌ها و دیوارهای سنگین ساختمان‌هاست (زرگر، ۱۳۸۸). مطالعات نظری نوگرایی و بررسی دیدگاه دیگران نشان‌دهنده آن است که تغییرات قابل توجه‌ای در معماری مسکن روستاها به‌وجود آمده است و عواملی چون اصلاحات ارضی و انقلاب اسلامی از مقاطع مهم زمانی در این تغییرات می‌باشد.

سیر نوگرایی در مسکن روستایی استان فارس

مسکن به‌عنوان یک نیاز اصلی زندگی همیشه مطرح بوده است و در چند دهه اخیر دست‌خوش تغییرات قابل توجه‌ای شده که به تدریج شکل قدیمی خود را از دست داده و به گونه جدیدی نمود یافته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که نوگرایی در مسکن روستایی استان فارس در یک روند مرحله به مرحله رخ داده است و حاصل یک سری از حوادث و پدیده‌ها می‌باشد که در مجموع به تغییر و نوگرایی در معماری مسکن روستایی انجامیده است (موحد، فتاحی، ۱۳۹۲: ۵۰).

مطالعات گذشته نگارنده از این واقعیت خبر می‌دهد که اغلب روستاهای استان فارس به‌رغم داشتن تاریخی طولانی در ساخت‌وساز و همساز بودن خانه‌ها با اقلیم و فرهنگ روستا، خانه‌های جدید نتوانسته‌اند هویت بومی روستاها را حفظ نمایند. در واقع نوگرایی در مسکن روستایی استان فارس گویای این واقعیت است که دست اندرکاران ساخت‌وساز روستایی کشور بیش از اینکه بر استفاده از تجارب گذشته روستاها تکیه داشته باشند، فعالیت‌هایشان بر شبیه‌سازی از خانه‌های شهری معطوف

روستا و معماری مسکن روستایی قبل از انقلاب اسلامی ایران

با نگاهی اجمالی به روستا در قبل از انقلاب اسلامی، ملاحظه می شود که روستا در قبل از انقلاب را می توان به دو مقطع قبل از اصلاحات ارضی و بعد از آن تقسیم کرد. لهسایی زاده معتقد است روستاهای ایران تا قبل از اصلاحات ارضی دارای طبقات اجتماعی معینی بود که براساس روابط اجتماعی خاصی از منزلت ها و پایگاه های متفاوتی برخوردار بوده است. او معتقد است تا قبل از این زمان اکثر روستاهای ایران خودکفا بودند و به لحاظ اقتصادی هم خود مختار بودند (لهسایی زاده، ۱۳۸۲: ۴۲).

بافت روستا پیش از اصلاحات ارضی بافتی فشرده و متراکم بود که در زمین های لم یزرع مستقر شده و ارباب اجازه ساخت و ساز در اراضی قابل کشت را به رعیت نمی داد. بعد از اصلاحات ارضی روستاها دچار تغییرات قابل توجهی گردیدند (حجت، ۱۳۸۵: ۸۱).

بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در مطالعات خود آورده است، در ایران نیز مانند سایر کشورهای جهان سوم از دهه ۱۳۴۰ جامعه روستایی دچار تحولات زیادی شد و به روستائیان وعده زندگی بهتر داده شده و یا بهتر است بگوییم به روستائیان القای نیازهای گوناگون نمودند. هر چند این القانات مثبت بود، ولی همزمان با آن خدماتی انجام نشد و وضعیت نامطلوب فقر روستایی به وجود آمد (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰: ۸).

مطالعات نشان دهنده این است که اولین تغییر در معماری روستایی تحت تاثیر اصلاحات ارضی در ایران به وجود آمد. پس از اصلاحات ارضی و واگذاری اراضی به کشاورزان، بسیاری از روستائیان خود را از حصارهای تنگ خانه های رعیتی رها کرده و در زمین های اطراف، اعم از زراعی و غیرزراعی به ساختن خانه پرداختند. روستاها پس از اصلاحات ارضی به شهر وابسته گشت،

شده بود. تقلید کورکورانه از معماری مسکن شهری، به تفاوت های شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و اقلیمی روستاها با شهرها توجه ای نداشتند.

تحقیق حاضر بر آن است تا با بررسی نوگرایی در معماری روستایی به این سؤال پاسخ دهد که آیا در معماری مسکن استان فارس تغییرات معناداری اتفاق افتاده است؟ پیش فرض تحقیق عبارتست از اینکه تحولاتی که در نیم قرن اخیر در روستاها رخ داده، باعث شده است، تغییرات معناداری در مؤلفه های مورد نظر در مسکن روستایی استان فارس به وجود آمده باشد.

رویکرد حاکم بر روش تحقیق، توصیفی تحلیلی است. جامعه آماری روستاهای استان فارس می باشد. آمارهای استفاده شده مربوط به سرشماری های عمومی نفوس و مسکن روستایی استان فارس از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰ می باشد. برای رسیدن به هدف، ابتدا با بررسی منابع، مبادرت به تدوین مبانی نظری تحقیق گردیده، آنگاه با رجوع به اطلاعات آماری، چگونگی تغییر ناشی از نوگرایی در روستاهای استان فارس مورد بررسی قرار گرفت. معماری روستایی ایران با خصوصیت کنونی ریشه در گذشته ای دارد که عوامل داخلی روستا نقش اساسی در هویت معماری آن بازی می کردند. در واقع تغییرات در روابط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در روستاها، شرایطی برای معماری روستایی فراهم کرد که نتیجه آن تغییر در معماری مسکونی آن به وجود آورد. برای شناخت چگونگی تاثیر نوگرایی بر معماری مسکن روستایی فارس، اشاره ای مختصر به تغییر در نظام روستایی در ایران اجتناب ناپذیر است. برای مطالعه سیر تغییر معماری روستایی ایران می توان پیشینه این روستاها را به دو مقطع زیر تقسیم بندی نمود:

اول، معماری روستایی قبل از انقلاب اسلامی ایران و دوم، بعد از انقلاب اسلامی ایران؛

الگوی گسترش و معماری شهری را پذیرفت و خزشی تدریجی از موقعیت پیشین به سمت جاده به مثابه شریان دسترسی و بهره‌مندی از خدمات شهر را آغاز کرد. حصارهای درهم تنیده پیشین شکسته شد، فضاهای سکونتی شبه‌شهری وسعت یافت و ورود و استفاده از مصالح و شیوه‌های غیر بومی ساخت‌وساز چهره روستا را تغییر داد. (حجت، ۱۳۸۵: ۷۵)

تبصره ماده بیست و چهارم قانون اصلاحات ارضی به‌طور ضمنی مجوز این ساخت‌وساز را برای روستائیان صادر کرده است: "هرگاه زمین‌های تقسیم شده مصرف دیگری غیر از زراعت پیدا نمایند که درآمد آن بیش از کشاورزی باشد، کمیسیون اصلاحات ارضی استان پس از رسیدگی اجازه تجزیه‌شان را خواهد داد." (همان منبع: ۸۱)

روستا و معماری مسکن روستایی بعد از انقلاب اسلامی ایران

فعالیت‌های کالبدی جدید، بعد از انقلاب اسلامی با تأسیس جهاد سازندگی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی به شکل فیزیکی روند شتابانی به خود گرفت. در این زمان برای ایجاد کاربری‌های جدید، نیاز به تغییر در سطح کالبد روستاها شد. مرحله بعدی تغییر در معماری روستایی با شروع اجرای طرح هادی در سال ۱۳۶۲ در روستاها اتفاق افتاد. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در تحقیقی که در خصوص ارزشیابی اثرات اجرای طرح هادی در روستاها ایران در سال ۱۳۸۸ انجام داد به این نتیجه رسید که الگوی مبتنی بر همگونی مصالح و ارتفاع نسبتاً یکسان واحدهای مسکونی در کنار شکل بافت، الگوی بومی معابر و نیز تراکم و تخلخل نسبتاً همگن در بافت، سیمای همگنی را در بافت بومی روستاها ایجاد کرده بود. پس از اجرای طرح‌های هادی، با تعریض و بازگشایی معابر بومی روستا و تخریب بدنه‌های معارض

که بازسازی یا نوسازی آن‌ها با مصالح غیر بومی را به‌همراه داشته است، در کنار تغییراتی در شکل، تراکم و تخلخل بافت توزیع همگن شکل و تراکم در بافت را از میان برده است، سیمای بافت روستاها، دچار تغییرات بسیاری شده است. این موضوع در بافت بومی نیز در مناطقی که واحدهای مسکونی نوسازی شده‌اند، مشاهده می‌شود.

تغییرات در روستاها نشان می‌دهد که کاربری‌های جدید متناسب با فرم‌های گذشته توسعه نیافتند. مظاهر کالبدی جدید مانند معابر عریض‌تر، میدان‌ها و ساختمان‌های دولتی در روستاها به‌وجود آمد. در این تغییرات، معماری مسکونی نیز در معرض تغییر قرار گرفت. فرم پلان‌ها و نماها و همچنین سیستم سازه ساختمان به تدریج تحت تاثیر عواملی چون شهرزدگی، مصالح جدید، مقاومت در برابر زلزله و روش‌های جدید ساخت دگرگون شد.

با گسترش فناوری جدید به‌خصوص در حوزه ارتباطات، تغییرات در روستاها با شتاب بیشتری اتفاق افتاد. در نتیجه خانه روستایی دیگر پاسخگوی نیازهای جدید نبود و علی‌الاصول خانه‌ها می‌بایست متناسب با ابزار، امکانات و نیازهای جدید، تغییر می‌کرد.

مؤلفه‌های نوگرایی در مسکن روستایی استان فارس

در مطالعات گذشته نگارنده، ۶۰ روستا از روستاهای استان فارس به‌صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب گردید و نقش اقلیم و محیط در شکل‌دهی فرم خانه‌ها مورد بررسی قرار گرفت.

این مطالعات نشان داد که مشکل روستاها در روند نوگرایی مسکن خود، نبود الگوی مطلوب ساخت مسکن روستایی بود. نتایج نشان‌دهنده این موضوع بود که نامشخص بودن راه مناسب که بتواند راهنما برای ساخت‌وسازهای روستاها باشد، موجب شکل‌گیری

نفوس و مسکن روستایی در کشور، نوگرایی در معماری مسکن روستایی براساس چهار مؤلفه، نوع مصالح، ریز فضاهای موجود در واحد مسکونی، میزان مساحت واحد مسکونی (زیربنای بخش مسکونی) و تعداد خانوارهای ساکن در واحد مسکونی مورد بررسی قرار گرفته است.



مسکن بی‌هویت گردید. نتایج قبلی نشان‌دهنده این بود که نوگرایی در روستاهای مختلف چهره‌های مختلفی از خود بروز داد (تصاویر ۱ تا ۴).

با توجه به شناخت روستاهای استان فارس در مطالعات قبل و آمارهای موجود مربوط به سرشماری‌های عمومی



ت ۱. نمایی از یک خانه نوساز و قدیمی در روستای آسپاس شهرستان اقلید. مأخذ: داده‌های پژوهش.



ت ۲. نمونه‌هایی از پلان خانه در روستای کراده شهرستان جهرم. مأخذ: نگارنده.



ت ۳. نمونه‌هایی از خانه قدیم و جدید در روستای فیروز شهرستان لارستان. مأخذ: نگارنده.



ت ۴. نمونه‌هایی از مصالح به‌کار رفته در خانه قدیم و جدید در روستای عبدویی شهرستان کازرون. مأخذ: نگارنده.

مصالح ساختمانی

دارد. برخی مصالح به‌تدریج سهم بیشتری و برخی سهم کمتری در ساخت واحدهای مسکونی پیدا می‌کنند. براساس این جداول استفاده از مصالحی نظیر خشت، گل و چوب به‌تدریج کاهش یافته و در مقابل مصالح مقاومتری نظیر سنگ و آجر به‌همراه آهن و اسکلت‌های فلزی و بتونی که بتوانند در برابر زلزله مقاومت کنند دارای افزایش قابل توجهی بوده‌اند. جدول شماره ۱، تغییرات استفاده از مصالح متفاوت را در دوره‌های مختلف نشان می‌دهد.

یک گونه از تغییرات در معماری روستایی، استفاده از مصالح جدید ساختمانی است و آن عبارت از مصالح غیر بوم‌آورد و استاندارد از لحاظ ابعاد و کیفیت از جمله سیمان و آهن به‌جای مصالح بوم‌آورد همچون خشت و چوب می‌باشد.

براساس نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰، سهم هریک از مصالح در ساخت واحدهای مسکونی روستایی استان فارس متغیر است. این تغییر در گذر زمان روند خاص کاهنده یا افزایشنده

سال	خشت و گل	خشت و چوب	تمام چوب	تمام آجر یا سنگ و آجر	بلوک سیمانی (با هر نوع سقف)	آجر و چوب یا سنگ و چوب	آجر و آهن یا سنگ و آهن	بتون آرمه	اسکلت فلزی
قبل از ۱۳۴۵	۲۴/۹۷	۴۲/۲۵	۰/۳۷	۰/۹۷	۲/۳۳	۱۵/۸۰	۸/۸۷	۰/۱۷	۰/۱۱
۱۳۴۵ تا ۱۳۵۴	۱۹/۰۲	۳۲/۱۴	۰/۶۳	۲/۳۲	۳/۵۷	۲۰/۷۲	۱۸/۰۳	۰/۳۶	۰/۱۳
۱۳۵۵ تا ۱۳۶۴	۱۰/۰۴	۱۵/۷۴	۰/۲۵	۴/۱۲	۶/۶۸	۱۹/۶۵	۳۷/۹۴	۱/۶۵	۰/۲۷
۱۳۶۵ تا ۱۳۷۴	۳/۲۶	۵/۳۶	۰/۱۲	۵/۸۹	۹/۰۴	۱۴/۲۷	۵۶/۱۶	۲/۵۵	۰/۴۸
۱۳۷۵ تا ۱۳۸۴	۰/۷۲	۱/۲۴	۰/۰۴	۶/۹۰	۱۱/۳۱	۶/۴۴	۶۱/۳۹	۸/۷۰	۱/۱۶
۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰	۰/۲۴	۰/۳۷	۰/۰۲	۷/۸۴	۱۱/۳۵	۲/۴۹	۵۶/۰۶	۱۸/۴۹	۱/۲۴

ج ۱. میزان درصد انواع مصالح ساختمانی به‌کار رفته در واحدهای مسکونی روستایی استان فارس در ادوار مختلف.

مأخذ: نگارنده برگرفته از سرشماری عمومی نفوس و مسکن.

تعداد خانوارهای ساکن در واحد مسکونی

یکی دیگر از مؤلفه‌های تغییر در خانه‌های روستایی، عبارت است از تغییر در تعداد خانوارهای ساکن در واحدهای مسکونی روستاهای استان فارس است. براساس نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن در سال‌های مختلف، تعداد خانوارهای ساکن در حال کم شدن است. نتایج نشان‌دهنده این است که تعداد این تغییر در گذر زمان روند خاص کاهنده دارد. جدول شماره ۴، درصد تغییرات در دوره‌های مختلف را نشان می‌دهد.

سال	فایده آشپزخانه غیر اوپن	فایده هال و پذیرایی	۵ اتاق و بیش‌تر	۳ و ۴ اتاق	۲ و ۱ اتاق
قبل از ۱۳۴۵	۶۲/۹۷	۳۵/۳۷	۲۳/۷۵	۴۸/۳۲	۲۶/۵۹
۱۳۴۵ تا ۱۳۵۴	۴۸/۷۷	۳۱/۵۱	۲۶/۵۶	۵۰/۸۰	۲۱/۶۷
۱۳۵۵ تا ۱۳۶۴	۳۳/۸۱	۲۹/۶۰	۳۰/۱۲	۵۲/۵۹	۱۶/۶۰
۱۳۶۵ تا ۱۳۷۴	۲۱/۵۸	۳۲/۷۷	۳۱/۹۱	۵۴/۲۹	۱۳/۲۵
۱۳۷۵ تا ۱۳۸۴	۱۸/۵۱	۴۲/۷۶	۲۵/۹۶	۵۸/۵۴	۱۵/۰۴
۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰	۱۶/۹۴	۶۵/۳۵	۱۳/۸۱	۶۶/۱۷	۱۹/۶۲

ج ۳. میزان درصد واحدهای مسکونی روستایی استان فارس با تعداد اتاق و فاقد فضاهای دیگر در ادوار مختلف. مأخذ: نگارنده برگرفته از سرشماری عمومی نفوس و مسکن.

سال	۱ خانوار	۲ خانوار	۳ خانوار	بیشتر از ۴ خانوار
۱۳۴۵	۸۲/۳۸	۱۱/۴۴	۳/۷۸	۲/۴۱
۱۳۵۵	۸۶/۱۴	۱۰/۲۳	۲/۶	۱/۰۳
۱۳۶۵	۸۶/۳۵	۱۰/۸۶	۲/۲۵	۰/۵۴
۱۳۷۵	۸۷/۶	۱۰/۶۲	۱/۴۴	۰/۳۴
۱۳۸۵	۸۹/۲۷	۹/۲۳	۱/۱۸	۰/۳۲
۱۳۹۰	۹۰/۶۲	۷/۸۳	۱/۳۱	۰/۲۴

ج ۴. میزان درصد تعداد خانوار ساکن در واحدهای مسکونی روستایی استان فارس در ادوار مختلف. مأخذ: نگارنده برگرفته از سرشماری عمومی نفوس و مسکن.

مساحت واحدهای مسکونی

مؤلفه دیگر از نوگرایی در مسکن روستایی تغییر در مساحت خانه‌های روستایی است و آن عبارت از بزرگ‌تر شدن زیر بنای بخش سکونت‌خانه‌ها است. براساس نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن در سال‌های مختلف، درصد متوسط مساحت واحدهای مسکونی روستایی استان فارس تغییر کرده است. این تغییر در گذر زمان روند خاص کاهنده یا افزایش‌دهنده دارد. جدول شماره ۲ درصد تغییرات مساحت را در دوره‌های مختلف نشان می‌دهد.

سال	۳۰۱ متر و بیشتر	۲۰۱ تا ۳۰۰ متر	۱۰۱ تا ۲۰۰ متر	کمتر از ۱۰۰ متر
قبل از ۱۳۴۵	۱/۰۵	۳/۱۷	۲۰/۲۶	۷۵/۲۵
۱۳۴۵ تا ۱۳۵۴	۰/۸	۲/۲۵	۲۸/۹۳	۶۷/۷۴
۱۳۵۵ تا ۱۳۶۴	۱/۲	۲/۰۱	۳۹/۷۹	۵۶/۶۸
۱۳۶۵ تا ۱۳۷۴	۰/۵۷	۲/۵۸	۵۰/۴	۴۶/۱۶
۱۳۷۵ تا ۱۳۸۴	۰/۵۷	۳/۰۴	۵۳/۱۱	۴۳/۰۲
۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰	۰/۳۸	۱/۸۷	۵۰/۵۵	۴۶/۹۴

ج ۲. میزان درصد متراژ مساحت واحدهای مسکونی روستایی استان فارس در ادوار مختلف. مأخذ: نگارنده برگرفته از سرشماری عمومی نفوس و مسکن.

ریز فضاها در واحدهای مسکونی

مؤلفه دیگر تغییر در فضاها و اتاق‌ها موجود در خانه‌های روستایی است و آن عبارت است از اضافه شدن آشپزخانه اوپن، هال و پذیرایی و همچنین تغییر در تعداد اتاق‌ها است. براساس نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن در سال‌های مختلف، تعداد خانه‌ها که دارای آشپزخانه اوپن و پذیرایی هستند در حال زیاد شدن است. نتایج نشان‌دهنده این است که تعداد اتاق‌ها متغیر است. این تغییر در گذر زمان روند خاص کاهنده یا افزایش‌دهنده دارد. جدول شماره ۳، درصد تغییرات در دوره‌های مختلف را نشان می‌دهد.

تجزیه و تحلیل اطلاعات

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، تغییرات در مؤلفه‌های خانه‌های روستایی استان فارس در طول نیم قرن گذشته مورد بررسی قرار گرفت. برای تعیین مؤلفه‌هایی که تغییرات آن‌ها در سطح آلفای ۵ درصد معنادار است، از آزمون رگرسیون خطی و آنالیز واریانس استفاده گردید. جداول پنج تا هشت سطح معناداری تغییرات مربوط به مؤلفه‌های متفاوت را نشان می‌دهد. در تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌توان چنین نتیجه گرفت که مؤلفه‌های مصالح ساختمانی به‌صورت معناداری تغییر یافته است. به این معنا که مصالح واحدهای مسکونی به

سمت مصالح جدیدتر در حال تغییر است. در خصوص مؤلفه مساحت (زیر بنا بخش سکونت) تغییر در واحدهای مسکونی کوچک با مساحت کمتر از ۱۰۰ متر و ۲۰۰ متر در سطح آلفای ۵ درصد معنادار است. به این معنا که زیر بنای بخش سکونت واحدهای مسکونی در حال بیشتر شدن است. در خصوص مؤلفه ریز فضاهای واحدهای مسکونی تغییر در نوع آشپزخانه و اوپن شدن آن و واحدهای مسکونی و همچنین سه و چهار اتاق خوابه شدن آن‌ها در سطح آلفای ۵ درصد معنادار است. به این معنا است که واحدهای مسکونی به سمت سه و چهار اتاق خوابه گرایش بیشتری پیدا کرده‌اند.

مؤلفه	عدم‌معناداری	sig(p) بدست آمده	F	وضعیت فرضیه آماری
خشت و گل	۰/۰۵	۱۰/۰۰	۸۸/۰۱۸	تأیید
خشت و چوب	۰/۰۵	۱۰/۰۰	۷۴/۱۵۱	تأیید
تمام چوب	۰/۰۵	۰/۰۳۵	۹/۸۶۳	تأیید
تمام آجر یا سنگ و آجر	۰/۰۵	۰/۰۰۰	۷۹۰/۴۳۵	تأیید
بلوک سیمانی (با هر نوع سقف)	۰/۰۵	۰/۰۰	۱۷۲/۶۴۹	تأیید
آجر و چوب یا سنگ و چوب	۰/۰۵	۰/۰۴۷	۸/۰۳۴	تأیید
آجر و آهن یا سنگ و آهن	۰/۰۵	۰/۰۰۳	۴۳/۰۱۰	تأیید
بتون آرمه	۰/۰۵	۰/۰۳۹	۹/۱۵۳	تأیید
اسکلت فلزی	۰/۰۵	۰/۰۰۷	۲۵/۶۵۴	تأیید

ج ۵. میزان معناداری مؤلفه‌های مربوط به مصالح ساختمانی. مأخذ: داده‌های پژوهش.

مؤلفه	عدم‌معناداری	sig(p) بدست آمده	F	وضعیت فرضیه آماری
۳۰۱ متر و بیشتر	۰/۰۵	۰/۰۶۷	۶/۲۴۶	رد
۲۰۱ متر تا ۳۰۰	۰/۰۵	۰/۵۴۵	۰/۴۳۷	رد
۱۰۱ متر تا ۲۰۰	۰/۰۵	۰/۰۰۳	۴۵/۳۳۶	تأیید
۱۰۰ متر و کمتر	۰/۰۵	۰/۰۰۳	۳۸/۴۳۷	تأیید

ج ۶. میزان معناداری مؤلفه‌های مربوط به متراژ مساحت. مأخذ: داده‌های پژوهش.

فضاهای خانه و تعداد خانوار ساکن در واحدهای مسکونی بوده‌اند.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در روستاهای استان فارس استفاده از مصالحی نظیر خشت، گل و چوب به تدریج کاهش یافته و در مقابل مصالح مقاوم‌تری نظیر سنگ و آجر به همراه آهن و اسکلت‌های فلزی و بتونی دارای افزایش قابل توجهی بوده است. از طرف دیگر مبانی نظری تحقیق نشان‌دهنده این است که خانه‌های روستایی ایران و به تبع آن خانه‌های روستایی استان فارس در برابر زلزله آسیب پذیر می‌باشند. با توجه به این مشکل، این نکته قابل ذکر است که نمی‌توان تغییر در نوع مصالح خانه‌های روستایی استان فارس و تأثیرپذیری آن‌ها از خانه‌های شهری را به‌طور کامل نفی کرد، زیرا برای مشکلات موجود خانه‌های روستایی به‌خصوص مقاومت آن‌ها در برابر زلزله و همچنین عدم پاسخگویی خانه‌ها به نیازهای جدید، مصالحی جز مصالح مقاوم که از شهر می‌آمد، وجود نداشت. در واقع تقلید از مصالح مسکن شهری در خانه روستایی و نوگرایی روستائیان، تقلید از مقاومت‌سازی خانه‌ها به‌وجود آمد، حتی در ماهیت خود می‌توانست مفید و مثبت باشد، زیرا در معرض زلزله قرار گرفتن روستاهای استان فارس، ضرورت مقاوم‌سازی را ایجاد می‌نمود. آنچه که این رویکرد را با مشکل روبه‌رو ساخته، در نظر نگرفتن جنبه‌های مختلف هویت مسکن روستاها از جمله مصالح استفاده شده در نمای خانه‌ها، مساحت و پلان واحد مسکونی در نوگرایی می‌باشد.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در پنجاه سال گذشته درصد متوسط زیر بنای بخش مسکونی واحدهای مسکونی روستایی استان فارس بزرگتر شده است. اضافه شدن آشپزخانه اوپن، هال و پذیرایی و تغییر در تعداد اتاق‌ها از دیگر تغییرات در مسکن روستایی استان فارس

مؤلفه	حد معناداری	sig(p) بدست آمده	F	وضعیت فرضیه آماری
فاقد آشپزخانه غیر اوپن	۰/۰۵	۰/۰۰۱	۶۷/۵۹۳	تأیید
فاقد هال و پذیرایی	۰/۰۵	۰/۱۳۲	۳/۵۷۷	رد
۵ اتاق و بیشتر	۰/۰۵	۰/۵۰۵	۰/۵۳۴	رد
۳ و ۴ اتاق	۰/۰۵	۰/۰۰۹	۲۲/۵۶۷	تأیید
۲ و ۱ اتاق	۰/۰۵	۰/۱۲۸	۳/۶۵۸	رد

ج ۷. میزان معناداری مؤلفه‌های مربوط به ریز فضاها در واحدهای مسکونی. مأخذ: داده‌های پژوهش.

مؤلفه	حد معناداری	sig(p) بدست آمده	F	وضعیت فرضیه آماری
۱ خانوار	۰/۰۵	۰/۰۰۲	۵۵/۰۳۲	تأیید
۲ خانوار	۰/۰۵	۰/۰۳۸	۹/۳۶۵	تأیید
۳ خانوار	۰/۰۵	۰/۰۰۳	۴۰/۳۵۸	تأیید
۴ خانوار و بیشتر	۰/۰۵	۰/۰۲۵	۱۲/۲۲۸	تأیید

ج ۸. میزان معناداری مؤلفه‌های مربوط به تعداد خانوار. مأخذ: داده‌های پژوهش.

نتیجه

بحران نوگرایی در مسکن روستایی استان فارس را می‌توان در ماهیت و مبانی تجدد طلبی روستائیانها جستجو کرد. هر چند تفکر روستائیان در ساخت‌وسازهای جدید مسکن خود، پاسخگویی به نیازهای جدید از جمله مقاومت خانه در برابر زلزله بود، اما نتایج تحقیق نشان‌دهنده آن است که روستائیان بشدت تحت تأثیر شهرگرایی از جمله تغییر در نوع مصالح، ریز

می‌باشد. نتایج نشان‌دهنده این است که تعداد خانوارهای ساکن در خانه‌های روستایی استان فارس نیز در حال کم شدن است.

اکنون سؤال این است که چگونه مسکن روستایی با استفاده از هویت بومی می‌تواند ادامه یابد؟ نوگرایی برای مسکن روستایی چقدر اهمیت دارد؟ آیا ممکن است مسکن روستایی بدون تغییر اساسی در هویت خود بتواند با نوگرایی سازگاری یابد؟ این گونه سؤال‌ها از جمله سؤال‌هایی هستند که می‌تواند به‌عنوان پیشنهاد برای تحقیقات آینده مطرح شود.

پی‌نوشت

1. Alen Inkeles: از جامعه‌شناسان آمریکایی و نویسنده کتاب مدرن شدن در شش کشور جهان سوم است.
2. David Smith Capon: از معماران آمریکایی و صاحب کتاب تئوری‌های معماری است.

فهرست منابع

- ازکیا، مصطفی، حسینی رودبارکی، سکینه، (۱۳۸۸)، تغییرات نسلی سبک زندگی در جامعه روستایی، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۷، صص ۲۴۱-۲۶۴.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ایران، معاونت عمران روستایی، (۱۳۸۸)، ارزشیابی اثرات اجرای طرح هادی روستایی، انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- حجت، عیسی، (۱۳۸۵)، تاثیر اصلاحات ارضی بر شکل روستاهای ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶، صص ۷۵-۸۴.
- رضویزاده، نورالدین، (۱۳۸۳)، بررسی تأثیر ارتباطات در تمایل به تغییر سبک زندگی در جامعه روستایی، پایان نامه دکتری علوم ارتباطات دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- روزی بیدگلی، زهرا، (۱۳۸۲)، نوگرایی زنان فعال در حوزه فرهنگی، پژوهش زنان، سال سوم، شماره ۷، صص ۱۷۷-۱۹۸.
- زرگر، اکبر، (۱۳۸۸)، درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران، چاپ پنجم، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

- سرتیپی پور، محسن، (۱۳۸۸)، آسیب شناسی معماری روستایی به سوی سکونتگاه مطلوب، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.

- صدیق سروستانی، رحمت الله و قادری، صلاح الدین، (۱۳۸۸)، ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی هویت دانشجویان بر مبنای مؤلفه‌های سنتی و مدرن، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال دوم، شماره ۸، صص ۳۵-۶۵.

- فاضلی، نعمت الله، (۱۳۸۶)، مدرنیته و مسکن (رویکردی مردم نگارانه به مفهوم خانه، سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی آن)، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۱، صص ۶۳-۲۵.

- لهسایی زاده، عبدالعلی، (۱۳۸۲)، جامعه شناسی توسعه، چاپ دوم، تهران، انتشارات پیام نور.

- موحد، خسرو و فتاحی، کاوه، (۱۳۹۲)، بررسی نقش اقلیم و محیط در شکل‌دهی فرم سازه مسکن روستایی استان فارس، فصلنامه مسکن و محیط روستا، سال سی و دوم، شماره ۱۴۱، صص ۳۷-۵۰.

-Abrahamian، Ervand (1982) Iran between Tow Revolution، Princeton، N.J: Princeton university press.